

نقش احزاب در گذار به دموکراسی

یاسر عزیزی

شاید وقتی ملك الشعراي بهار قریب به صد سال پیش به تدوین تاریخ احزاب ایران می پرداخت ، هرگز به این مسئله نمی اندیشید که حدود يك قرن بعد همچنان حزب سياسي تنها يك صورت ذهني و مفهوم بي مصداق در جامعه اي باشد که او زیر و رو شدن تنگنای قفس زمخت استبدادش را سالها زین بیشتر از مرغ سحر استمداد می کرد.

باري مفهوم حزب که در جوامع مدرن سالهاست از پس پیدايي به پایايي و پویايي رسیده است ، در جامعه ما همچنان سترون مانده است ، چه نه به خوبی درك شده است و نه بخوبي بدان پرداخته شده است . اگر چه ماکس وبر حزب را « فرزند دموکراسي در غرب » می داند ، اما شکی نیست که در جوامع غیره دموکراتيکي چون جامعه ما وجود احزابي با ساختار دموکراتيک و مت شکل می تواند مولد فرزند مبارکي بنام « دموکراسي » باشد و شاید این تعبیر «دورژ» در فهم سخن بیشتر کمک کند که : « حزب سياسي چرخ دنده ي ماشين دموکراسي است » . نگاهی به معنا و مفهوم حزب ، شرایط و زمینه های پیدايي و نیز کارکردها و کارویژه های سياسي – اجتماعي آن درك این واقعیت که نیل به احزاب قدرتمند و موثر تا چه میزان تحقق آرمان های دموکراتيک را تسهیل می کند را برای ما فراهم می نماید .

تعریف و مفهوم حزب سياسي :

اگر بخواهیم برداشتي عيني و ملموس از تلقي مردم نسبت به حزب را در جامعه ي امروز ایران ارائه کنیم به این تعریف می رسیم که: « حزب عبارت است از جماعتي که در آستانه ي هر انتخابات برگرد يك شخص مشخص جمع می شوند و برای توفيق آن شخص و تأمین منافع خود به سياسي کاري دست می زنند » . اما آیا مفهوم مدرن حزب در ادبیات سياسي به این معناست ؟

اگر چه آموزه های کلاسيک و نظریه پردازاني چون ادموند بورك حزب را « هیئتني از مردم که به خاطر پیشبرد منافع خود با کوشش مشترك براساس برخي اصول سياسي مورد توافق متحد شده اند » (۱) می داند و جوزف شومپیتر در اثر گران سنگ خود (۲) حزب را گروهی می داند که: « نیت اعضاي آن فعالیت مشترك در يك تلاش سبقت جویانه برای کسب قدرت است » ، اما بی گمان کارکرد اجتماعي حزب تنها همین رویکردانتفاعي و کاسبکارانه نخواهد بود و با

فرض این که سخنان فوق اهداف اساسی احزاب را ترسیم کرده باشند باز هم در برابر تأثیرات جانبی حضور احزاب ، ارزش و اعتبار وجود و حضور احزاب مخدوش نخواهد شد .

در حقیقت آنچه امروزه در ادبیات مدرن سیاسی در باب مفهوم حزب وجود دارد عبارت است از : گروهی سازمان یافته ، با تشکیلات منظم و منسجم که حول اعتقادات و اهداف مشترک شکل می گیرد . و با ایجاد شبکه های ارتباطی گسترده با مردم ، به نشر و تبلیغ افکار و ایده های خود می پردازد تا ضمن پذیرش یافتن برنامه های خود در میان مردم از اقبال آنان جهت نیل به اهداف خویش استفاده کنند . با چنین تعریفی حزب نه تنها تشکلی مقطعی و موقت نیست ، بلکه سازمانی است کامل ، که همه ی سلسله مراتب سازمانی را در خود دارد ، به موضوعات و مقولات بصورت یک پروسه نگاه می کند و امیدوار است که در ضمن برنامه های میان مدت و بلند مدت به اهداف تعیین شده ی خود نزدیک شود .

نظریه پردازان علوم سیاسی ضمن تعریف ویژگی های فوق برای یک حزب سیاسی پاره ای شروط را جهت ایجاد حزب لازم دانسته اند . « جوزف لاپالمبار » و « مایرون وینر » (۳) چهار شرط را جهت ایجاد حزب بر شمرده اند که از مقبولیت زیادی در میان محققان برخوردار است .

۱) وجود تشکیلات پایدار مرکزی

۲) وجود شعبه هایی که با مرکز پیوند و ارتباط داشته باشد.

۳) پشتیبانی مردم

۴) کوشش برای دستیابی به قدرت سیاسی .

با تأمل و تعمقی در تعریف و مفهوم ذکر شده از حزب و شرایط ایجاد آن در جامعه شناسی مدرن می توان به دلایل ناپایداری ، انحطاط و مرگ زود رس احزاب سیاسی در جامعه ی ایران پی برد . احزاب سیاسی در ایران غالباً فاقد تشکیلات منجم و پایدار مرکزی هستند . این امر خود زائیده ی یک بیماری مزمن در جامعه ی ما است که غالباً چشم انداز های مقطعی و کوتاه مدت بعنوان دلیل وجود احزاب قرار می گیرد . در چنین حالتی تشکیلاتی موقت بادرجه ی سانترالیسم بسیار بالا شکل می گیرد و با طرح شعارهای پوپولیستی درصدد جلب آراء و افکار مردم بر می آیند . چنین رویکردی مسلماً نه تنها به ایجاد فرهنگ کارکرد حزبی کمک نمی کند بلکه زمینه های اجتماعی بروز و بلوغ احزاب را نیز نامساعد و نابارور می کند.

تجربه ي نظام هاي سياسي دموكراتيک ، چه رياستي وچه پارلماني ، نشان مي دهد که احزاب سياسي بارويکردي بلند مدت پديد آمده ومهمترين بازوهاي اعمال دموكراسي در جامع ه ي خود شده اند . يکي از مهترين ويژگي هاي احزاب سياسي که در جامعه ي ما غالباً ديده نمي شود گسترش دامنه ي فعاليت هاي حزبي به متن توده هاست . بگونه اي که در ايالات متحده هر آمريکايي مي تواند ادعا کند که عضو حزب دموكرات است يا جمهوريخواه (۴) اين ويژگي که به وجود شعبه هاي محلي ودر نتيجه کسب پشتيباني مردمی بر مي گردد مهمترين عامل در نهادينه شدن ودروني شدن فرهنگ حزبي ودر نتيجه ايجاد زمينه هاي دولت حزبي است .

يکي ديگر از شروط ايجاد احزاب کوشش براي دستيابي به قدرت سياسي است . در جوامع دموكراتيک از آنجايي که احزاب وجود خود را جهت تحکيم وثثبيت دموكراسي مي دانند بنابر اين دستيابي به قدرت سياسي را نيز تنها از طرق دموكراتيک پي مي گيرند . براي اين کار چنين احزابي خود را ملزم به انجام پاره اي اقدامات مي کنند . يکي از اين اقدامات ايجاد فرايندهاي دموكراتيک درون حزبي است . چنين اقدامي علاوه بر جلوگيري از ايجاد ديکتاتوري درون حزبي به نهادينه شدن فرهنگ دموكراسي در ميان اعضا وهواداران خود منجر مي شود . چنين احزابي بدليل ايجاد ارتباط وپيوند گسترده باشهروندان ضمن ارتقاء سطح بينش سياسي آنان به يارگيري وعضو گزيني در ميان مردم دست مي زنند وسپس با استفاده از تخصص هاي موجود در حزب نيروي انساني لازم براي به دست گرفتن قدرت را در درون خود تأمين مي کنند . در اين زمينه آنتونيوگرامشي مي گويد : « در احزاب ضرورت به آزادي تبديل مي شود واز بطن چنين تحولي ، پديده انضباط داخل حزب مي زايد که از ارزش سياسي بي حدي (مخصوصاً براي امر رهبري سياسي) برخوردار است ... از اين ديدگاه احزاب را مي توان آموزشگاهي براي زندگي دولت دانست » (۵)

بنابراين اگر احزاب در بستر صحيح وبا تشکيلات منسجم وبرنامه ريزي دقيق پاي به عرصه ي اجتماعي وسياسي بگذارند واهداف خود را در چارچوب برنامه وسازماندهي حزبي وتشکيلاتي پيگيري کنند ضمن اثر گذاري بر محيط اجتماع وايجاد زمينه هاي ذهني وفرهنگي مناسب در ميان توده هاي مردم مي توانند به ك سب قدرت از راه حمايت مردم نيز اميدوار باشند . حال نيز که جامعه ي ما در يك بحران واقعي سياسي از حيث کار وفعاليت سياسي وپيگيري مطالبات دموكراتيک خود قرار گرفته است شايسته است که گروهها وتشکل هاي سياسي با روي آوري به تشکيل احزاب واقعي وايجاد پيوندهاي عميق تر وگسترده تر با مردم ضمن تلاش براي کسب پايگاه هاي قدرت به تغييرات وتحولات فرهنگي در جامعه نيز کمک نموده تا زمينه هاي ذهني دموكراسي پيش از تغييرات سياسي در جامعه ايجاد شود که

براستي «تغييرات سياسي اي كه پيش تر از تغييرات فرهنگي انجام گيرد دوامي نخواهد داشت و از نتايج يك كودتا فراتر نخواهد برفت.»

پي نوشتها :

- ۱) عالم , عبدالرحمن - بنيادهای علم سياست - نشري - چاپ هشتم ۱۳۸۰
- ۲) شومپيتر , جوزف - كاپيتاليسم , سوسياليسم , دموكراسي - ترجمه : حسن منصور - نشر مركز - چاپ دوم ۱۳۷۵
- ۳) ابوبي , حجت اله - پيدايي و پايابي احزاب سياسي در غرب - انتشارات سروش - چاپ اول ۱۳۷۹
- ۴) دموكراسي حزبي در سه قاره - گفتگو با مازيار بهروز - ماهنامه نامه - شماره ۴۰ - نيمه مرداد ۸۴
- ۵) گرامشي , آنتونيو- دولت و جامعه مدني - ترجمه ي عباس ميلاني - نشر اختران - چاپ اول ۱۳۸۳
- ۶) مشايخي , مهرداد - شكوفايي فرهنگي سياسي : زمينه هاي اميد برگرفته از سايت : <http://jomhuri.com>

<http://www.burhaan.com/bakhsh/demokrasie/0029.html>